

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال یکم، شماره 1، بهار 1392، صفحات 24-5

تحلیل، ارزیابی و آسیب‌شناسی شاخص رقابت‌مندی جهانی

محمدعلی مرادی

عضو هیأت‌علمی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران
mamoradi@ut.ac.ir

هدف این مقاله تحلیل، ارزیابی و آسیب‌شناسی شاخص رقابت‌مندی جهانی است. برای این منظور، ابتدا نحوه شکل‌گیری مجمع جهانی اقتصاد که از سال 1979 به‌طور منظم این شاخص را محاسبه و منتشر می‌نماید، تبیین می‌گردد. سپس مبانی فکری-نظری شاخص رقابت‌مندی که بر بهره‌وری استوار است، بررسی می‌شود. این شاخص عوامل مورد نیاز توسعه را برای الگوی سه مرحله‌ای توسعه پورت‌تر در 12 مؤلفه معرفی می‌کند. سه مرحله توسعه عبارت از مرحله مبتنی بر عوامل تولید، مرحله مبتنی بر کارایی و مرحله مبتنی بر نوآوری است. این شاخص از بعد روش‌شناسی و فروض قابل تأمل است که در این مقاله به آنها پرداخته خواهد شد. همچنین، برای محاسبه این شاخص آمار و اطلاعات متنوعی استفاده شده که اعتبار برخی از آمارها مورد تردید است. با این وجود، به نتایج این شاخص در سطوح بین‌المللی و ملی به‌طور مکرر استناد می‌شود. آخرین نتایج گزارش (2012-2013)، شاخص رقابت‌مندی جهانی مؤید این است که ایران در مرحله انتقال از مرحله مبتنی بر عوامل تولید به مرحله مبتنی بر کارایی است و از میان 144 کشور توانسته است رتبه 66 را کسب نماید. ایران در اکثر زیرشاخص‌ها بجز محیط اقتصاد کلان در مقایسه با دوره قبل تغییرات چندانی نداشته است. رتبه محیط اقتصاد کلان این شاخص در گزارش (2012-2013) معادل 57 بوده در حالی که در دوره قبل این رتبه 27 بوده است. نتایج مقایسه تطبیقی با کشورهای منتخب مؤید این است که در آخرین رتبه‌بندی کشورهای قطر، عربستان، کره جنوبی، مالزی، ایتالیا و ایران از میان 144 کشور به‌ترتیب در رتبه‌های 11، 18، 19، 25، 42 و 66 قرار دارند.

طبقه‌بندی JEL: C82, D24, O11, O57.

واژه‌های کلیدی: رقابت‌مندی، بهره‌وری، روش‌شناسی، مراحل توسعه، مطالعه تطبیقی.

1. مقدمه

شاخص رقابتمندی جهانی¹ یکی از شاخص‌های کلیدی است که سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و کارشناسان به‌طور مکرر در تحلیل‌های خود به نتایج آن استناد می‌کنند. این شاخص از سال 1979 توسط مجمع جهانی اقتصاد² محاسبه می‌شود. با این وجود تنها سه سال است که این شاخص برای ایران محاسبه می‌گردد. هدف شاخص رقابتمندی جهانی محاسبه توان رقابتی اقتصاد کشورها در سطح ملی و بین‌المللی است. محاسبه این شاخص بر این تعریف استوار است که شاخص رقابتمندی مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کند، یعنی بهره‌وری مرکز ثقل این شاخص را تشکیل می‌دهد. ابعاد این شاخص در 12 مؤلفه و در چارچوب نظریه‌های اقتصادی مبتنی بر مراحل توسعه تدوین شده است. این شاخص عوامل مورد نیاز را برای سه مرحله توسعه پورتر طبقه‌بندی می‌کند. سه مرحله توسعه عبارتند از مرحله مبتنی بر عوامل تولید که در آن اقتصاد بر منابع طبیعی و همراه با نیروی کار غیرماهر با دستمزدهای پایین است و بهره‌وری اقتصاد در این مرحله نازل است. مرحله مبتنی بر کارایی که در آن اقتصاد رقابتی‌تر شده و بهره‌وری و دستمزدها افزایش می‌یابند و فرایندهای تولید کارآمدتر می‌شوند و طی آن به نیروی کار دارای تحصیلات آموزش عالی نیاز بیشتری ایجاد می‌شود. مرحله مبتنی بر نوآوری که در این مرحله اقتصاد کشورها بر محور تولید محصول جدید، متفاوت و منحصر به فرد توسط کسب و کارها استوار می‌گردد.

در گزارش سالانه مجمع جهانی اقتصاد، کشورها از سه زاویه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در مرحله اول، کشورها بر اساس قرار گرفتن در مراحل توسعه طبقه‌بندی می‌شوند. برای این منظور، از دو شاخص درآمد سرانه و صادرات استفاده می‌شود. در مرحله دوم، شاخص رقابتمندی جهانی بر اساس مؤلفه‌های 12 گانه محاسبه می‌گردد و کشورها از یک تا 144 رتبه‌بندی می‌شوند و در مرحله نهایی مشکلات عمده پیش‌روی کسب و کارها از دیدگاه مدیران کسب و کار از طریق پرسشنامه مورد سؤال واقع می‌شود.

روش‌شناسی این شاخص طی دهه‌های گذشته چندین بار مورد بازنگری قرار گرفته است. دلیل اصلی آن وجود ضعف در مبانی این شاخص بوده است. سکس (2001) شاخص رقابتمندی

1. Global Competitiveness Index (GCI)

2. World Economic Forum (WEF)

رشد را که بر اساس نظریه‌های رشد اقتصادی بنا شده بود، معرفی کرد. متعاقب آن، پورتر عوامل پیش‌برنده اقتصادخرد را در قالب شاخص رقابتمندی کسب‌وکار معرفی نمود. صلایی مارتین و همکاران (2007) شاخص رقابتمندی را که هم عوامل رقابتمندی را در سطح اقتصاد خرد و هم در سطح اقتصاد کلان پوشش می‌دهد در محاسبه این شاخص به‌عنوان مبنا قرار داد. با این وجود، پورتر و همکاران (2008) به‌دلیل وجود اشکالات متعدد در این شاخص پیش‌نویس مدل جدید را تهیه و به محافل علمی و دانشگاهی ارسال کردند تا پس از دریافت بازخورد، در محاسبه این شاخص بازنگری شود، اما تاکنون این مهم انجام نشده است.

در این مقاله ضمن معرفی نحوه شکل‌گیری مجمع جهانی اقتصاد، مبانی فکری-نظری و روش‌شناسی این شاخص تبیین می‌گردد، در ادامه، نتایج شاخص با محوریت ایران ارائه و سپس مقایسه تطبیقی با کشورهای منتخب صورت می‌گیرد و پس از طرح انتقادات وارده بر این شاخص جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

2. شکل‌گیری مجمع جهانی اقتصاد

مجمع جهانی اقتصاد¹ در سال 1971 با دیدار 1000 نفر از رهبران کمپانی‌های اروپایی در داووس سویس - که با حمایت کمیسیون اروپا و نهاد همکاری‌های صنعتی اروپا صورت گرفته بود - تشکیل گردید. این کمپانی‌ها هر یک بالغ بر 5 میلیارد دلار گردش مالی دارند و سالانه حق عضویت پرداخت می‌کنند. کمپانی‌ها در حوزه‌های مختلف نظیر ساختمان، هواپیمایی، فناوری، توریسم، مواد غذایی و نوشیدنی، مهندسی و خدمات مالی فعالیت دارند. درصد بالایی از شرکت‌کنندگان را رهبران کسب‌وکارها تشکیل می‌دهند. به‌عنوان مثال، در سال 2009 از 2500 شرکت‌کننده 75 درصد را رهبران کسب‌وکارهای بین‌المللی تشکیل دادند که 1000 نفر آنها رؤسای کمپانی‌های بزرگ جهانی بودند. شایان ذکر است این مجمع یک سازمان غیرانتفاعی در کشور سویس است. بر اساس مدل ارائه شده توسط مجمع جهانی اقتصادی (2009) کمپانی‌ها در مرکز این مدل قرار

1. نام اولیه این مجمع "European Management Symposium" بود و در سال 1987 به نام فعلی تغییر یافت تا مجمع بتواند علاوه بر مسائل منطقه‌ای و صنعتی مناقشات بین‌المللی را نیز پوشش دهد.

دارند و ذینفعان آن عبارتند از دولت‌ها، اقتصادهای ملی، سهامداران، همکاران، عرضه‌کنندگان، مصرف‌کنندگان و اعتباردهندگان.

این مجمع بیشتر به دلیل تشکیل اجلاس سالانه برای بحث موضوعات مهم جهانی و ارائه راه‌حل برای چالش‌ها در جهان شناخته شده است. این اجلاس همه‌ساله در دی‌ماه (هفته آخر ژانویه) در محل دائمی آن در سوییس تشکیل می‌گردد. رهبران کسب‌وکارها، رهبران سیاسی بین‌المللی، فرهیختگان و ژورنالیست‌ها در این مجمع گرد هم می‌آیند تا موضوعات مهم جهانی از جمله بهداشت و محیط‌زیست را بحث و بررسی نمایند.

شاخص رقابتمندی از سال 1979 به طور منظم محاسبه و منتشر می‌شود. مجمع جهانی اقتصاد در هر کشور یک نهاد را به عنوان رابط در نظر می‌گیرد تا از طریق آن هماهنگی و اطلاعات مورد نیاز به ویژه آمارهای میدانی از طریق پرسشنامه از بنگاه‌ها جمع‌آوری گردد. در اکثر کشورها این نهاد رابط از نهادهای دانشگاهی یا نهادهای پژوهشی انتخاب شده است. نهاد رابط در ایران برای محاسبه شاخص رقابتمندی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران است.

3. چارچوب فکری - نظری و روش‌شناسی شاخص

در ادبیات علم اقتصاد، رقابت از بعد نظری بر اقتصادخرد و بنگاه استوار است، یعنی رقابت بنگاه‌ها - صرف‌نظر از گستره ابعاد جغرافیایی - با یکدیگر مدنظر است. شاخص رقابتمندی جهانی بر مدل پورتر (1990) استوار است که به عنوان مدل رقابتمندی دیاموند معروف است. مزیت رقابتی که در مقابل مزیت نسبی مطرح شد بر محوریت بنگاه استوار است و طی آن بنگاه به تولید محصول جدید، برند جدید و روش‌های بهتر تعامل با مشتری که همگی آنها در نوآوری جمع هستند متمرکز می‌شود. نوآوری در این رویکرد بر اساس چهار عامل مطرح شده توسط پورتر (شرایط عوامل تولید، شرایط تقاضا، رقبا و صنایع مرتبط) تعیین می‌شود. شایان ذکر است شاخص رقابتمندی با اغماض به سطح ملی و مقایسه کشورها با یکدیگر تعمیم یافته است. با این وجود، شاخص رقابتمندی جهانی در سال 2009 بازنگری شد و مقرر گردید پس از دو سال، دوره سنجش اعتبار آن و محاسبه شاخص بر اساس شاخص جدید صورت گیرد، اما تاکنون مورد بازنگری قرار نگرفته است.

بر اساس رویکرد پورتر، کشورها در فرایند توسعه در سه مرحله مبتنی بر عوامل تولید، مبتنی بر کارایی و مبتنی بر نوآوری قرار دارند. ابعاد این شاخص در 12 مؤلفه و در چارچوب نظریه‌های اقتصادی مبتنی بر مراحل توسعه عبارتند از:

- مرحله مبتنی بر عوامل تولید¹: در این مرحله اقتصاد مبتنی بر منابع طبیعی و همراه با نیروی کار غیرماهر با دستمزدهای پایین است و بهره‌وری اقتصاد در این مرحله نازل است. 4 زیرشاخص شامل نهادهای قانونی و سازمانی، زیرساخت‌ها اعم از زیر ساخت‌های فیزیکی و ICT، محیط اقتصاد کلان و بهداشت و آموزش ابتدایی و پایه.

- مرحله مبتنی بر کارایی²: در این مرحله اقتصاد رقابتی‌تر شده و بهره‌وری و دستمزدها افزایش می‌یابند و فرایندهای تولید کارآمدتر می‌شوند و طی آن به نیروی کار دارای تحصیلات آموزش عالی نیاز بیشتر ایجاد می‌شود. این مرحله شامل شش زیرشاخص است که عبارتند از آموزش عالی، کارایی بازار کالاها، کارایی بازار نیروی کار، توسعه بازار مالی، آمادگی الکترونیکی و اندازه بازار.

- مرحله مبتنی بر نوآوری³: اقتصاد این کشورها بر محور تولید محصول جدید، متفاوت و منحصر به فرد توسط کسب و کارها استوار می‌گردد. دو زیرشاخص این مرحله شامل پیشرفت و پیچیدگی کسب و کارها و نوآوری است.

شایان ذکر است به سه مرحله توسعه فوق، دو مرحله انتقال از مرحله 1 به 2 و مرحله انتقال از مرحله 2 به 3 به‌عنوان مرحله گذار افزوده شده است. بر اساس روش‌شناسی مورد استفاده در محاسبه این شاخص، مقادیر کمی در دامنه بین صفر تا 7 تعریف شده است. برای محاسبه شاخص رقابت‌مندی از روش میانگین وزنی برای اجزای مؤلفه‌های مذکور استفاده می‌شود. جدول (1) اوزان هر گروه از عوامل را در سه مرحله توسعه نشان می‌دهد.

1. Factor-Driven Economy
2. Efficiency-Driven Economy
3. Innovation-Driven Economy

جدول 1. اوزان اجزای شاخص رقابت‌مندی در سه مرحله توسعه و بر اساس الزامات

زیرشاخص‌ها	مبتنی بر عوامل تولید	مبتنی بر کارایی	مبتنی بر نوآوری
الزامات عوامل تولید	20	40	60
الزامات کارایی	50	50	35
الزامات نوآوری	30	10	5

مأخذ: مجمع جهانی اقتصاد، 2012-2013.

روش‌شناسی این شاخص طی دهه‌های گذشته چندین مرتبه مورد بازنگری قرار گرفته است. دلیل اصلی آن وجود ضعف در مبانی این شاخص بوده است. سکس (2001) شاخص رقابت‌مندی رشد را که بر اساس نظریه‌های رشد اقتصادی بنا شده بود معرفی نمود. متعاقب آن، پورتر عوامل پیش‌برنده اقتصاد خرد را در قالب شاخص رقابت‌مندی کسب‌وکار معرفی کرد. صلابی مارتین و همکاران (2007) شاخص رقابت‌مندی را که هم عوامل رقابت‌مندی را در سطح اقتصاد خرد و هم در سطح اقتصاد کلان پوشش می‌دهد در محاسبه این شاخص به‌عنوان مبنا قرار دادند.

شاخص رقابت‌مندی در سال 2009 مورد بازنگری قرار گرفت و در مرحله آزمون و ارزیابی قرار دارد. مقرر گردید شاخص جدید در اختیار سیاست‌گذاران، رهبران کسب‌وکار و استادان دانشگاه قرار گیرد و پس از ارزیابی و سنجش اعتبار آن طی دوره دو ساله از شاخص جدید استفاده شود. در رویکرد پیشنهادی جدید، شاخص رقابت‌مندی که به سطح کلان و بین‌المللی تعمیم یافته است، اهمیت مؤلفه‌های کلان در این شاخص بیش از گذشته نمایان است. در رویکرد جدید اجزای مدل رقابت‌مندی اقتصاد کلان بر سیاست‌های اقتصاد کلان و نهادهای اجتماعی و سیاسی تمرکز دارد. سیاست‌های اقتصادی یکی از مباحث اصلی این شاخص را تشکیل می‌دهد که پیش از این نیز به آن توجه شده بود، اما نهادها از مباحث جدید در این موضوع است که طی دو دهه گذشته وارد ادبیات شاخص رقابت‌مندی شده است. کارکرد سیاست‌های اقتصاد کلان به گونه‌ای است که به‌صورت غیرمستقیم بر بهره‌وری تأثیرگذار هستند و کارآمدی این سیاست شرط لازم و نه کافی برای ارتقاء بهره‌وری است.

رقابت‌مندی اقتصادخرد به‌طور مستقیم بر بهره‌وری تأثیرگذار است. عوامل در سطح خرد بسیار زیاد هستند که در سه دسته کلی طبقه‌بندی شده‌اند. پیچیدگی و پیشرفت، راهبردها و کارکرد کسب‌وکار و مراحل توسعه خوشه‌ها و کیفیت محیط خرد کسب‌وکار اجزای اصلی این مدل را در سطح خرد تشکیل می‌دهد.

4. نتایج شاخص

مجمع جهانی اقتصاد نتایج شاخص رقابت‌مندی جهانی که از سال 1979 محاسبه می‌شود را برای سومین سال متوالی برای ایران طی دوره (2012-2013) در شهریورماه 1391 منتشر نموده است. اکثر آمارهای مورد استفاده در این گزارش به سال 2011 اختصاص دارد. این شاخص طی دوره (2012-2013) برای 144 کشور محاسبه شد که ایران با شاخص 4/2 از 7 رتبه 66 را کسب نمود. شاخص و رتبه ایران در دوره قبل به ترتیب 4/3 و 62 بوده است. عدد این شاخص برای کشورهای سوئیس 5/72، سنگاپور 5/67 و فنلاند 5/55 است که به ترتیب رتبه اول تا سوم جهان را کسب کرده‌اند.

رتبه کشورهای منطقه در این شاخص عبارتند از کشور قطر رتبه 11، عربستان سعودی 18، امارت متحده عربی 24، مالزی 25، چین 29، عمان 32، بحرین 35، کویت 37، ترکیه 43، آذربایجان 46، قزاقستان 51، هند 59 و اردن 64 که در مقایسه با ایران این کشورها رتبه‌های بالاتری را کسب کرده‌اند. ایران در دوره (2012-2013) در الزامات پایه‌ای عوامل مؤثر بر کارایی و عوامل مؤثر بر نوآوری به ترتیب رتبه 59، 90 و 77 را کسب کرده است. این رتبه‌ها در دوره قبل به ترتیب 51، 88 و 83 بوده است (جدول 2).

نتایج جدید این شاخص مؤید این است که بیشترین کاهش رتبه ابتدا به الزامات پایه‌ای و در مرحله بعد به عوامل مؤثر بر کارایی تعلق دارد. این در شرایطی است که در عوامل مؤثر بر نوآوری ایران 6 رتبه صعود داشته است. جایگاه ایران در مراحل پنج‌گانه توسعه (سه مرحله اصلی و دو مرحله گذار) همانند کشورهای آذربایجان، مصر، کویت، لیبی، قطر، عربستان و سریلانکا در مرحله گذار از مرحله اول به مرحله دوم قرار دارد.

جدول 2. نتایج تفصیلی شاخص رقابت‌مندی ایران

(2012-2013)		(2011-2012)		(2010-2011)		شاخص کل و زیرشاخص‌ها	ردیف
رتبه (از 7)	رتبه (از 144)	رتبه (از 7)	رتبه (از 142)	رتبه (از 7)	رتبه (از 139)		
4/2	66	4/3	62	4/1	69	شاخص رقابت‌مندی	شاخص کل
4/7	59	4/8	51	4/6	63	الزامات پایه‌ای	
3/9	68	3/8	72	3/7	82	نهاده‌ها	1
4	69	4	67	3/7	74	زیرساخت‌ها	2
4/8	57	5/6	27	5	45	محیط اقتصاد کلان	3
6	46	5/9	50	5/9	54	بهداشت و آموزش	4
3/8	90	3/8	88	3/8	90	عوامل مؤثر بر کارایی	
4/1	78	3/9	89	3/8	87	آموزش عالی و آموزش سالانه نیروی کار	5
4	98	3/9	103	3/8	98	کارایی بازار کالاها و خدمات	6
3/2	141	3/3	139	3/8	135	کارایی بازار نیروی کار	7
3/4	123	3/3	123	3/4	120	توسعه بازارهای مالی	8
3/1	111	3/1	104	3/3	96	آمادگی تکنولوژیکی	9
5/2	18	5/1	21	5/1	20	اندازه بازار	10
3/5	77	3/4	83	3/3	82	عوامل مؤثر بر نوآوری	
3/7	93	3/6	92	3/6	91	پیشرفت و پیچیدگی کسب و کار	11
3/2	65	3/1	70	3/1	66	نوآوری	12

مأخذ: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، شماره‌های مختلف.

همانگونه که از جدول (2) مشاهده می‌شود، مقادیر شاخص‌ها عمدتاً در سه سال گذشته تغییرات جزئی (کاهش/افزایشی) را تجربه نموده است. یکی از تغییرات قابل توجه به مؤلفه محیط اقتصاد کلان اختصاص دارد که رتبه این شاخص در گزارش (2012-2013) معادل 57 بوده، در حالی که در دوره قبل این رتبه 27 بوده است. اجزاء تفصیلی و نتایج این مؤلفه در جدول (3) آمده است. در این جدول تأثیر منفی نرخ تورم در بدتر شدن این مؤلفه نقش تعیین‌کننده داشته و در مقابل تأثیر مثبت افزایش نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی بر این مؤلفه از بدتر شدن بیشتر آن جلوگیری کرده است.

ایران در زیرشاخص‌های زیر حائز رتبه‌های بالاتری است. پس‌انداز (درصدی از GDP) رتبه 3، نرخ ثبت‌نام در مدارس ابتدایی رتبه 9، بدهی دولت (درصدی از GDP) رتبه 15 و بزرگ بودن اندازه بازار داخلی رتبه 17.

نرخ تورم و مقررات ارزی بر اساس یافته‌های این مطالعه از وضعیت نامناسب برخوردار هستند. ایران در زیرشاخص‌های منتخب زیر از رتبه‌های پایین‌تری برخوردار است. مالکیت خارجی در رتبه آخر یعنی 144، نسبت اشتغال زنان به مردان رتبه 143، نرخ تورم رتبه 142، سهولت دسترسی به وام رتبه 141، نرخ تعرفه رتبه 139 و واردات به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی رتبه 137 را دارا است.

جدول 3. مؤلفه‌های محیط اقتصادکلان

(2012-2013)		(2011-2012)		(2010-2011)		زیرشاخص‌های مؤلفه محیط اقتصادکلان
مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	
شاخص	(از 144)	شاخص	(از 142)	شاخص	(از 139)	
0/2	29	0/6	19	-	42	تعادل بودجه دولت (درصدی از GDP)
53/8	3	38/7	10	-	26	پس‌انداز (درصدی از GDP)
21/3	142	12/5	136	-	121	نرخ تورم (درصد)
12/7	15	12	13	-	17	بدهی دولت (درصدی از GDP)
28/7	108	29/4	114	-	97	رتبه اعتباری ایران (0 تا 100)

* مقادیر زیرشاخص‌ها برای دوره (2010-2011) گزارش نشده است.

مأخذ: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، شماره‌های مختلف.

در محاسبه این شاخص علاوه بر اینکه رتبه‌بندی کشورها از لحاظ قرار گرفتن در مراحل توسعه و رقابتمندی مورد توجه قرار می‌گیرد، موانع پیش‌روی کسب‌وکار کشور نیز ارزیابی و رتبه‌بندی می‌شود. برای این منظور، از نظرات مدیران کسب‌وکار در هر کشور از طریق پرسشنامه مهم‌ترین موانع پرسش و گزارش می‌شود. در نظرسنجی برای موانع پیش‌روی فعالیت‌های کسب‌وکار ایران پنج مشکل اساسی در گزارش (2012-2013) به ترتیب میزان دسترسی به تأمین مالی، بی‌ثباتی سیاسی، نرخ تورم، مقررات ارزی (خارجی) و ناکارآمدی نظام دیوانسالاری دولت عنوان شده‌اند. شایان ذکر است مقررات ارزی که در گزارش سال قبل رتبه 7 را داشته در نتایج سال جاری به رتبه 4 رسیده است. خاطر نشان می‌سازد در سه سال گذشته، ترتیب سه مشکل اول پیش‌روی کسب‌وکارها ثابت و بدون تغییر مانده است.

5. مقایسه تطبیقی

در خصوص رتبه‌بندی شاخص رقابتمندی، مقایسه تطبیقی میان شش کشور صورت گرفته است. این کشورها عبارتند از قطر، عربستان سعودی، کره جنوبی، مالزی، ایتالیا و ایران. این مقایسه در صدد این است که مشخص نماید چرا کشورهای نظیر قطر و عربستان سعودی رتبه رقابتمندی بالاتری نسبت به کشورهای نظیر ایتالیا، کره جنوبی و ترکیه احراز نموده‌اند؟ آیا شاخص اشکال دارد یا اینکه دلایل دیگری وجود دارد؟ به این جهت ابتدا روند سری‌زمانی شاخص رقابتمندی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه نتایج آسیب‌شناسی شاخص مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

نتایج تحولات شاخص رقابتمندی جهانی برای کشورهای منتخب از گزارش دوره (2005-2006) تا (2012-2013) در جدول (4) خلاصه شده است. همانطور که از این جدول مشاهده می‌شود نتایج گزارش سال‌های (2005-2006) مؤید این است که کشور قطر میان کشورهای مورد بررسی با رتبه 46 میان کشورهای منتخب دارای پایین‌ترین رتبه بوده است. با این وجود، طی چند سال گذشته توانسته است میان شش کشور مورد مطالعه در سال 2012 به بالاترین رتبه یعنی رتبه 11 ارتقاء یابد. رتبه عربستان سعودی نیز روند رو به ارتقاء را داشته است. این در شرایطی است که در رتبه کشورهای کره جنوبی و مالزی تغییری حاصل نشده است، اما رتبه ایتالیا علیرغم اینکه متزلزل بوده طی دوره مورد مطالعه کاهش یافته است. رتبه ایران نیز در چند سال اخیر با نوسانی روند کاهشی را تجربه کرده است.

جدول 4. مقایسه تطبیقی رتبه شاخص رقابتمندی کشورهای منتخب

شاخص	2005-2006	2006-2007	2007-2008	2008-2009	2009-2010	2010-2011	2011-2012	2012-2013
قطر	46	38	31	26	22	17	14	11
عربستان	-	-	27	27	28	21	17	18
کره	19	24	11	13	19	22	24	19
مالزی	25	26	21	21	24	26	21	25
ایتالیا	38	42	48	49	48	48	43	42
ایران	-	-	-	-	-	69	62	66
تعداد نمونه	117	125	131	134	131	139	140	144

مأخذ: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، شماره‌های مختلف.

رتبه کشورهای مورد مطالعه بر حسب زیرشاخص‌های 12 گانه در جدول (5) آمده است. ترتیب رتبه الزامات پایه‌ای کشورهای مورد مطالعه از لحاظ رتبه‌بندی با رتبه شاخص رقابت‌مندی مطابقت دارد، اما در عوامل مؤثر بر کارایی کشور قطر پس از کره جنوبی میان کشورهای منتخب در رتبه دوم قرار دارد.

جدول 5. مقایسه شاخص رقابت‌مندی کشورهای منتخب 144 کشور جهان

(2012-2013)

ردیف	شاخص	قطر	عربستان	کره	مالزی	ایتالیا	ایران
	شاخص رقابت‌مندی	11	18	19	25	42	66
	الزامات پایه‌ای	7	13	18	27	51	59
1	نهاده‌ها	4	15	62	29	97	68
2	زیرساخت‌ها	31	26	9	32	28	69
3	محیط اقتصاد کلان	2	6	10	35	102	57
4	بهداشت و آموزش	23	58	11	33	25	46
	عوامل مؤثر بر کارایی	22	26	20	23	41	90
5	آموزش عالی و آموزش نیروی کار	33	40	17	39	45	78
6	کارایی بازار کالاها و خدمات	10	14	29	11	65	98
7	کارایی بازار نیروی کار	14	59	73	24	127	141
8	توسعه بازارهای مالی	14	22	71	6	111	123
9	آمادگی تکنولوژیکی	27	35	18	51	40	111
10	اندازه بازار	58	24	11	28	10	18
	عوامل مؤثر بر نوآوری	15	29	17	23	30	77
11	پیشرفت و پیچیدگی کسب و کار	11	25	22	20	28	93
12	نوآوری	19	29	16	25	36	65

مأخذ: گزارش مجمع جهانی اقتصاد، شماره‌های مختلف.

در عوامل مؤثر بر نوآوری کشورهای کره جنوبی و مالزی پس از قطر به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. شایان ذکر است ایران در زیرشاخص‌های محیط اقتصاد کلان و نهاده‌ها با کسب رتبه‌های 57 و 68 از ایتالیا که به ترتیب رتبه‌های 102 و 97 را کسب کرده در سطح بالاتری قرار دارد.

هرچند رتبه شاخص رقابت‌مندی قطر بالا است، اما نتایج زیرشاخص‌ها مؤید این است که وضعیت کشور قطر در برخی مؤلفه‌ها کماکان مناسب نیست. این کشور در عوامل مؤثر بر کارایی از رتبه 22 برخوردار است. میان زیرشاخص‌های 12 گانه شاخص اندازه بازار که محوریت آن جمعیت است با رتبه 58 کمترین رتبه را دارد. پس از آن در زیرشاخص آموزش عالی و آموزش نیروی انسانی رتبه 33 را کسب کرده است. کشور قطر در مؤلفه‌های زیر از وضع مناسبی برخوردار نیست:

- نسبت واردات به عنوان درصدی از GDP رتبه 134
- نسبت زنان شاغل به مردان رتبه 122
- نرخ ناخالص ثبت نام در دبیرستان رتبه 113
- تعداد فرایندها برای شروع کسب و کار رتبه 87
- نرخ ثبت خالص در مدارس ابتدایی رتبه 85
- حمایت از سرمایه‌گذاران رتبه 80

با وجود اینکه رتبه شاخص رقابت‌مندی عربستان سعودی 18 است، اما در مولفه بازار نیروی کار رتبه 59 را کسب کرده است. در زیرشاخص‌های بهداشت و آموزش و آمادگی تکنولوژیکی به ترتیب رتبه‌های 58 و 35 را کسب کرده است. اطلاعات سایر کشورها با همدیگر از جدول (5) قابل مقایسه است.

6. آسیب‌شناسی شاخص رقابت‌مندی جهانی

در ادبیات موضوع، شاخص رقابت‌مندی از ابعاد مختلف مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته است. کروگمن (1994) ضمن تأکید بر اهمیت محاسبه این شاخص برای مقایسه کشورها با یکدیگر اذعان می‌دارد رفاه اقتصادی کشورها به وسیله بهره‌وری تعیین می‌شود نه رقابت میان کشورها. نقدهای اساسی دیگر بر این شاخص به مفهوم خرد و کلان آن، روش‌شناسی و مدل محاسباتی شاخص استوار است. رقابت‌مندی بر محوریت کسب و کار استوار است که مبتنی بر ادبیات خرد است تا کلان، بنابراین زمانی که برای سطح ملی و بین‌المللی تعمیم داده می‌شود با ابهاماتی همراه است. بوکلی و همکاران (1988) رقابت‌مندی در سطح بنگاه را اینگونه تعریف می‌کند که

یک بنگاه زمانی رقابتی است که بتواند کالا یا خدمتی را با کیفیت بهتر و هزینه پایین‌تر از رقبای ملی و بین‌المللی خود تولید کند. در این حالت، رقابت‌مندی بنگاه به وسیله قیمت نسبی، سهم بازار و میزان سوددهی در یک دوره زمانی مشخص قابل اندازه‌گیری است. زمانی که موضوع رقابت‌مندی به سطح ملی برای رقابت با سایر کشورها تعمیم می‌یابد ملاحظات دیگری نظیر نرخ ارز مطرح است. افزایش قدرت خرید ارز یا افزایش در هزینه واحد نیروی کار قدرت رقابت‌مندی یک کشور را کاهش می‌دهد، بنابراین در موضوع رقابت‌مندی در سطح ملی می‌بایست نرخ ارز مؤثر که نرخ ارز اسمی و قیمت‌های نسبی را دربر دارد مدنظر قرار گیرد. هرچند باید اذعان داشت این خود به‌تنهایی با ابهام همراه است. لال (2001) در خصوص تعریف شاخص تصریح می‌کند تعریف شاخص رقابت‌مندی بسیار وسیع است و متغیرهای بسیار زیادی در محاسبه این شاخص مورد استفاده قرار گرفته است.

نکته‌حائز اهمیت دیگر فقدان نگرش روشن به مفهوم نهفته در واژه رقابت در مقابل نقش دولت در اقتصاد است. صرفنظر از اصول اقتصادخرد حاکم بر رقابت، مبانی این شاخص بر رقابت استوار است اما وظایف عمده‌ای در زیرشاخص‌های این شاخص بر عهده دولت گذاشته شده است. در واقع مبانی فکری این شاخص در چارچوب نظام فکری سرمایه‌داری مخدوش شده است. به عبارت دیگر، یک نوع ناسازگاری در تبیین مبانی این شاخص وجود دارد. رقابت در چارچوب اقتصادخرد با محوریت بنگاه با رقابت در سطح یک کشور متفاوت است، چرا که فضای حاکم بر رقابت یک بنگاه با فضای حاکم بر رقابت در سطح ملی یکسان نیست. اهداف فعالان اقتصادی همانگونه که در سطح یک بنگاه با هم همسو هستند در سطح کلان یک کشور این همسویی مشاهده نمی‌شود.

با عنایت به اینکه شاخص رقابت‌مندی اصولاً بر مدل پورتر استوار است، مزیت رقابتی که در مقابل مزیت نسبی مطرح شده بر محوریت بنگاه استوار است، بنابراین پورتر نظریه اقتصادی رقابت در سطح ملی را ارائه نمی‌کند، در نتیجه رابطه بین مزیت رقابتی در سطح بنگاه با سطح ملی ضعیف و غیرقابل اثبات می‌شود. بررسی اجزای شاخص مؤید این است که شاخص رقابت‌مندی بر محوریت رشد اقتصادی استوار است تا محوریت رقابت‌مندی.

روش‌شناسی مورد استفاده برای محاسبه شاخص رقابت‌مندی از جمله نحوه دادن وزن به زیرشاخص‌های مختلف با توجه به تفاوت شرایط کشورها یا مواردی نظیر اندازه و حجم نمونه محل تأمل و مورد تردید است. نکته دیگر در این زمینه توجه به تفاوت کشورها و همگن یا غیرهمگن بودن کشورها است که می‌بایست در محاسبه شاخص این موضوع مورد توجه قرار گیرد، زیرا کشورها از لحاظ مقیاس اقتصادی، سطح توسعه و ساختار اقتصادی با یکدیگر متفاوت هستند.

در شاخص رقابت‌مندی جهانی کشورها بر اساس 12 مؤلفه محاسبه و طبقه‌بندی شده‌اند و اعتبار نتایج آن می‌بایست بر اساس اطلاعات زیرشاخص‌های 12گانه و روش‌شناسی استفاده و نحوه وزن‌های آنها ارزیابی شود، بنابراین مقایسه مطلق آنها بدون در نظر گرفتن این عوامل نتایج گمراه‌کننده‌ای به همراه خواهد داشت، به‌ویژه اینکه مفهوم رقابت‌مندی در ادبیات مبتنی بر مبانی خرد است، اما در این شاخص در سطح کلان بکار گرفته شده است. برای محاسبه این شاخص، آمار و اطلاعات متنوعی استفاده شده است. این آمارها از منابع مختلفی جمع‌آوری می‌شوند از جمله:¹

- بخشی از آمارها از نهادهای بین‌المللی و بخشی دیگر از داخل کشورها جمع‌آوری می‌شوند. آمار نهادهای بین‌المللی عمدتاً از صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، OECD، یونسکو، مرکز تجاری بین‌المللی، سازمان بین‌المللی نیروی کار، شرکت مالی بین‌المللی و اتحادیه ارتباطات بین‌المللی جمع‌آوری می‌شوند.
- بخشی از آمارها مبتنی بر محاسبات کارشناسی است.
- بخشی دیگر با استفاده از روش‌های میدانی جمع‌آوری شده است. پرسشنامه یکی از ابزارهای آن است. این پرسشنامه آمار و اطلاعات 12 حوزه موضوعی را پوشش می‌دهد. شایان ذکر است آمار و اطلاعاتی از این طریق جمع‌آوری می‌شوند که امکان جمع‌آوری آنها از روش‌های دیگر میسر نیست. پرسشنامه مجمع جهانی اقتصاد به فارسی برگردانده شده و توسط رابط مجمع جهانی اقتصاد یعنی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران برای جمع‌آوری آمار و اطلاعات، در اختیار مدیران کسب‌وکارها قرار می‌گیرد.

1. مجمع جهانی اقتصاد (2012-2013)

با عنایت به اینکه این پرسشنامه در هر کشور توسط مدیران کسب و کارها تکمیل می‌شوند، فضای حاکم بر روش اطلاع‌گیری و اطلاع‌دهی از بعد اجتماعی و فرهنگی یکسان نیست و این خود می‌تواند بر نتایج تأثیرگذار باشد و قابلیت مقایسه‌ای آنها را تقلیل دهد. نکته دیگر اینکه از کسب و کارها خواسته شده است تا مشکلات اصلی کسب و کارها را مطرح کنند. طی سه سال گذشته کسب و کارها سه مشکل اساسی پیش‌روی خود را دسترسی به تأمین مالی، بی‌ثباتی سیاسی و نرخ تورم اعلام کرده‌اند. بدیهی است چنانچه این سؤال از کارشناس، مدیر، استاد دانشگاه و پژوهشگر پرسیده شود انتظار می‌رود پاسخ متفاوتی دریافت شود. به‌ویژه اینکه تأمین مالی به دلیل وجود رانت برای کسب و کارها جذاب است. شایان ذکر است تجربه دهه‌های گذشته مؤید این است که اعطای انبوهی از تسهیلات به کسب و کارها، مشکل تولید و رشد اقتصادی را نتوانسته است حل کند.

نکته دیگر اینکه جنس سؤالات نیز بسیار متفاوت و فراتر از سؤال از یک مدیر کسب و کار است. به‌عنوان مثال، مجلس چقدر کارآمد است؟ یا سؤالی نظیر اینکه قوانین در خصوص حل و فصل دعاوی چقدر کارآمد است؟ بستگی به این دارد که در هر کشور افراد به چه میزان برای این منظور به مراجع قضایی مراجعه کنند یا ترکیب هزینه عمومی چگونه است؟ بدیهی است کسب و کارها با حوزه‌های فعالیت متفاوت و در کشورهای مختلف اطلاعات یکسانی در خصوص ترکیب هزینه‌های دولت ندارند. سؤال‌های مشابه دیگر اینکه سیاست‌های کشاورزی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ کیفیت نهادهای تحقیقاتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ شدت رقابت در بازارهای داخلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ نظام آموزشی کشور شما چقدر با مقتضیات اقتصاد رقابتی تناسب دارد؟ ماهیت مزیت رقابتی شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی بر چه چیزی استوار است؟ اینها سؤالاتی است که به راحتی نمی‌توان پاسخ آنها را از مدیران کسب و کارها در مناطق مختلف و کشورهای مختلف با درجه توسعه متفاوت و ساختار اقتصادی - سیاسی متفاوت به دست آورد. علاوه بر این انتظار می‌رود به دلیل شرایط و تفاوت‌های حاکم بر هر کشور، نحوه پاسخگویی مدیران کسب و کار در کشورهای گوناگون یکسان نباشد و این خود نتایج را برای مقایسه تطبیقی دچار مشکل سازد.

برای محاسبه رتبه کشورها در مراحل توسعه و رتبه بر اساس شاخص رقابت‌مندی از دو معیار متفاوت استفاده شده است. از شاخص‌های منحصر به فرد برای قرار گرفتن کشورها در مرحله توسعه استفاده شده است. نماگرهای مورد استفاده برای تقسیم‌بندی کشورها در مراحل توسعه عبارتند از:

• تولید ناخالص داخلی سرانه

• نسبت صادرات کالاهای معدنی به کل صادرات (کشورهایی که سهم صادرات معدنی آنها از کل صادرات 70 درصد باشد در ردیف کشورهای مبتنی بر منابع قلمداد می‌شوند).

شایان ذکر است زیرشاخص‌های 12 گانه شاخص رقابتمندی با وجود اینکه در چارچوب مراحل سه گانه توسعه پورتر تفکیک شده است، اما طبقه‌بندی کشورها در مرحله سه گانه توسعه صرفاً بر اساس دو شاخص فوق صورت گرفته است. این در واقع ناسازگاری زیرشاخص‌های 12 گانه شاخص رقابتمندی را در تطبیق با مراحل توسعه تأیید می‌کند. با عنایت به نکات فوق، بر اساس دو مؤلفه مذکور کشورهای نظیر ایتالیا و کره جنوبی در زمره کشورهای قرار دارند که در مرحله سوم توسعه یعنی دارای اقتصاد مبتنی بر نوآوری هستند. نتایج مؤید این است کشورهای قطر و عربستان سعودی همانند ایران در مرحله گذار از مرحله اول به مرحله دوم قرار دارند. این در شرایطی است که رتبه قطر و عربستان در شاخص رقابتمندی جهانی از کشورهای مذکور بالاتر است، یعنی کشور قطر در شاخص نوآوری رتبه 15 را کسب کرده است، در حالی که کشورهای کره جنوبی، مالزی، عربستان و ایتالیا به ترتیب رتبه‌های 17، 23، 29 و 30 را کسب کرده‌اند. این شواهد مؤید این است که میان درجه توسعه یافتگی کشورها و ارتقاء مؤلفه‌های 12 گانه شاخص، ناسازگاری وجود دارد. به عبارت دیگر، نتایج مذکور مؤید این است که ارتقاء شاخص رقابتمندی لزوماً بر اساس این روش شناسی یک کشور را به درجات بالاتر توسعه رهنمون نمی‌سازد.

7. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مجمع جهانی اقتصاد یکی از نهادهایی است که با حمایت مالی بنگاه‌های بزرگ و با حمایت کمیسیون اروپا و نهاد همکاری‌های صنعتی اروپا به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی سوییسی فعالیت می‌کند. در مجمع جهانی اقتصاد رهبران کسب و کارها، رهبران سیاسی بین‌المللی، فرهیختگان و ژورنالیست‌ها گرد هم می‌آیند تا موضوعات مهم جهانی از جمله بهداشت و محیط‌زیست را مورد بحث و بررسی قرار دهند. این مجمع با توصیف فوق صرفاً با تعامل و مدیریت امور و با ابتکار عمل خود توانسته است در سطح جهانی و با حمایت مالی بنگاه‌های بزرگ تا جایی پیش رود که امروزه از بازیگران اقتصاد جهانی محسوب می‌شود و حتی دولت‌ها را پیرو خود ساخته است. به این دلیل، در جابه‌جایی منابع و

محصولات در سطح بین‌المللی نقش اصلی ایفا می‌کند. این در شرایطی است که کشورهای در حال توسعه در این فرایند نقش حاشیه‌ای دارند و بسیاری از فرصت‌هایی را که می‌توان از طریق حضور در سطح بین‌المللی بهره برد از دست می‌دهند.

نتایج گزارش (2012-2013) شاخص رقابت‌مندی جهانی مؤید این است ایران در مرحله انتقال از مرحله مبتنی بر عوامل تولید به مرحله مبتنی بر کارایی است و رتبه کشور از میان 144 کشور 66 است. در بیشتر زیرشاخص‌ها بجز در محیط اقتصاد کلان تغییرات اساسی رخ نداده است. رتبه محیط اقتصاد کلان در گزارش (2012-2013) معادل 57 بوده، در حالی که در دوره قبل این رتبه 27 بوده است. تأثیر منفی نرخ تورم بر بدتر شدن این مؤلفه نقش تعیین‌کننده داشته و در مقابل تأثیر مثبت افزایش نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی بر این مؤلفه از بدتر شدن بیشتر آن جلوگیری کرده است. برای تعیین اینکه کشورها در چه مرحله‌ای از توسعه قرار دارند، از نماگرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و نسبت صادرات کالاهای معدنی به کل صادرات استفاده شده است. با عنایت به نکات فوق، بر اساس دو مؤلفه مذکور کشورهای نظیر ایتالیا و کره جنوبی در زمره کشورهای قرار دارند که در مرحله سوم توسعه یعنی دارای اقتصاد مبتنی بر نوآوری هستند. نتایج مؤید این است کشورهای قطر و عربستان سعودی همانند ایران در مرحله گذار از مرحله اول به مرحله دوم قرار دارند.

در شاخص رقابت‌مندی جهانی کشورها بر اساس 12 مؤلفه محاسبه شده طبقه‌بندی شده‌اند و اعتبار نتایج آن می‌بایست بر اساس اطلاعات زیرشاخص‌های 12 گانه و روش‌شناسی سنجیده شود. برای محاسبه این شاخص آمار و اطلاعات متنوعی استفاده شده است. این آمارها از منابع مختلفی جمع‌آوری می‌شوند. از جمله بخشی از آمارها از نهادهای بین‌المللی و بخشی دیگر از داخل کشورها جمع‌آوری می‌شوند. بخشی از آمارها مبتنی بر محاسبات کارشناسی است. بخشی دیگر با استفاده از روش‌های میدانی جمع‌آوری شده است. پرسشنامه یکی از ابزارهای آن است. با عنایت به اینکه این پرسشنامه‌ها در هر کشور توسط مدیران کسب‌وکارها تکمیل می‌شوند فضای حاکم بر روش اطلاع‌گیری و اطلاع‌دهی از بعد اجتماعی و فرهنگی یکسان نیست و این خود می‌تواند بر نتایج تأثیرگذار باشد و قابلیت مقایسه‌ای آنها را کاهش دهد. نکته دیگر اینکه از کسب‌وکارها خواسته شده است تا مشکلات اصلی کسب‌وکارها را مطرح کنند. نخستین بند آن به تأمین مالی مربوط است. طی سه سال گذشته مشکل اصلی کسب‌وکارهای ایران همین تأمین مالی بوده است. بدیهی است چنانچه

همین سؤال از کارشناس، مدیر، استاد و پژوهشگر پرسیده شود انتظار می‌رود پاسخ‌های متفاوتی دریافت شود. نکته دیگر اینکه جنس سؤالات نیز بسیار متفاوت و فراتر از سؤال از یک مدیر کسب‌وکار است. رقابتمندی بر محوریت کسب‌وکار استوار است که مبتنی بر ادبیات خرد است تا کلان، بنابراین زمانی که برای سطح ملی و بین‌المللی تعمیم داده می‌شود با ابهاماتی همراه است. روش‌شناسی مورد استفاده برای محاسبه شاخص رقابتمندی از جمله نحوه دادن وزن به زیرشاخص‌های مختلف با توجه به تفاوت شرایط کشورها یا مواردی نظیر اندازه نمونه، محل تأمل و مورد تردید است. نکته دیگر در این زمینه توجه به تفاوت کشورها و همگن یا غیرهمگن بودن کشورها است که می‌بایست در محاسبه شاخص این مهم مورد توجه قرار گیرد، زیرا کشورها از نظر مقیاس اقتصادی، سطح توسعه و ساختار اقتصادی با یکدیگر متفاوت هستند.

منابع

- Barro, R. & X. Sala-i-Martin (1995), *Economic Growth*, New York, McGraw-Hill.
- Buckley, P. J., Pass, C. L. & Prescott (1988), "Measuring of International Competitiveness: A Critical Survey", *Journal of Marketing Management*, Vol. 4, No. 2, PP. 175–200.
- Krugman, P. (1994), *Competitiveness: A Dangerous Obsession*, Foreign Affairs, PP. 28-44.
- Lall, S. (2001), *Comparing National Competitive Performance: An Economic Analysis of World Economic Forum's Competitiveness Index*, QEH Working Paper – QEHWPS61.
- Porter, M., Degado, M., Ketels, C. & Stern, S. (2008), *Moving to A New Global Competitiveness*, Retrieved from http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=3&cad=rja&ved=0CDoQFjAC&url=http%3A%2F%2Fwww.unistrada.it%2Fitalian%2Fmaster%2Fpolitiche_di_pace%2FEdizione_20092010%2Fmateriale_didattico%2Ftimpano%2Fwef1.2.pdf&ei=pm0kUZSaA4_Oswaq-YCgAQ&usg=AFQjCNG6feMZE--TysHDgN3kp8VI3iRTw&bvm=bv.42661473,d.Yms.
- Porter, M. (1990), *The Competitive Advantage of Nations*, London: Macmillan.
- Sala-i-Martin, X., J. Blanke, M. Drzeniek Hanouz, T. Geiger, I. Mia & F. Paua (2007), The Global Competitiveness Index: Measuring the Productive Potential of Nations, In *the Global Competitiveness Report (2007–2008)*, Geneva: World Economic Forum, PP. 3–50.

Sachs, J. (2001), *Briefing Understanding Global Competitiveness*, Financial Times Information.

World Economic Forum (2009), "A Partner in Shaping History: The First 40 Year (1991-2010)".

World Economic Forum, "The Global Competitiveness Report", Various Issues, Geneva: World Economic Forum.

